

بررسی کتاب

پاسخ به افتراءات جابری نسبت به قرآن کریم

مرکز نماء للبحوث و الدراسات

● ترجمه علی محمدی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز/

ali.mohammadi@yahoo.com

چکیده

اسلام از نظر محمد عماره واپسین حلقه سلسله ادیان آسمانی است که در تجدید دین واحد الهی تلاش کرده است. انسان، خلیفه خدا بر زمین، نیز از ابزاری به نام «عقل» برای درک «کتاب وحی» که «سفر هستی» است بهره می جوید.

محمد عماره بر این باور است که برای فهم اندیشه و پروژه محمد عابد جابری ناگزیر باید خاستگاه های معرفت شناختی و الگوها و پارادایم هایی که اندیشه وی از آن ها سرچشمه می گیرد را درک کرد؛ زیرا روش جابری در فهم میراث به منزله اساس و نقطه عزیمت برای تجزیه و تحلیل اندیشه او تلقی می شود.

کلیدواژه

محمد عماره، محمد عابد جابری، قرآن، اندیشه.

مقدمه

محمد عابد الجابری (۱۹۳۶- ۲۰۱۰ م.)، اندیشمند مغربی، افزون بر نگارش آثارش در حوزه نقد عقل عربی و نقد میراث، در زمینه قرآن پژوهی دو اثر با عناوین **مدخل إلى القرآن الکریم: فی التعریف بالقرآن** (۲۰۰۶) و **فهم القرآن الکریم** (۳ ج) (۲۰۰۸) منتشر کرده که اثر نخست به منزله مقدمه اثر دوم به شمار می رود. وی در این دو کتاب کوشیده است تفسیری که از متن قرآن به دست می دهد، مبتنی بر روش های سنتی متقدم یا متأخر نباشد، بلکه وی بنای کار خود را بر روش های انتقادی معاصر می گذارد و ضمن رد هرگونه تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی، یگانه راه فهم دقیق و درست از قرآن را تکیه بر ترتیب نزول آیات قرآن می داند. به نظر او برای تفسیر آیات قرآن باید نخست سیر تاریخی نزول آیات قرآن را به دست آوریم، سپس در سایه سنت نبوی به تفسیر آن ها بپردازیم. به باور جابری، زندگی رسول خدا و آیات قرآن، سیاقی واحد را تشکیل



■ معرفی اثر
عما ره، محمد. رد افتراءات الجابری علی القرآن
الکریم. دار السلام للطباعة والنشر و التوزیع و
الترجمة، ۲۰۱۱ م.
مشخصات نشر: قطع وزیری

می دهند که هرگونه فهم از آیات قرآن، بدون توجه به این سیاق نادرست خواهد بود.^۱ این رویکرد جابری در تفسیر قرآن و نیز برخی از ادعاهایی که وی درباره باورهای اعتقادی دین اسلام مطرح کرده، محل چالش ها و کشمکش های بسیاری در جهان عرب شده است و سبب گردید آثار و مقاله هایی چند در نقد دیدگاه های جابری یا حمایت از آن به نگارش درآید که از شماره آن ها می توان به عبدالسلام البکاری والصدیق بوعلام مؤلفان کتاب **الشبه الاستشراقیة فی کتاب مدخل الی القرآن الکریم** للدکتور محمد عابد الجابری (الدار العربیة للعلوم ناشرون، ۲۰۰۹)، دکتر فؤاد بوعلی **الأسس المنهجیة للقراءة الحدائیة للنص القرآنی: محاولة فی التفکیک والتأسیس** (مجلة التسامح، ش ۲۴)، محمد عماره مؤلف کتاب **رد افتراءات الجابری عن القرآن الکریم** (دار السلام، ۲۰۱۱) اشاره کرد.

به تازگی دکتر محسن آرمین که پیشتر کتاب **جریان های تفسیری معاصر و مسئله آزادی** (نشرنی، ۱۳۸۸) از وی منتشر شده بود، کتاب **مدخل إلى القرآن الکریم: فی التعریف بالقرآن** جابری را با عنوان **رهیافتی به قرآن کریم**، در تعریف قرآن (نشرنی، ۶۰۸ ص، ۱۳۹۳) منتشر کرده است. انتشار این کتاب فرصتی شد تا گزارشی از کتاب **رد افتراءات الجابری عن القرآن الکریم** اثر محمد عماره که دیدگاه های جابری را به نقد کشیده و به آن ها پاسخ داده است، پیش روی خوانندگان قرار گیرد.

معرفی مؤلف

دکتر محمد عماره، اندیشمند، نویسنده و پژوهشگر مسلمان مصری در سال ۱۹۳۱ میلادی دیده به جهان گشود. در سال ۱۹۷۵ رساله دکتری خود را با عنوان **الاسلام و فلسفه الحکم** نگاشت. حوزه اصلی پژوهش وی میراث و فرهنگ و تمدن اسلامی و سکولاریسم و اندیشه معاصر اسلامی-عربی است.

اسلام از نظر محمد عماره واپسین حلقه سلسله ادیان آسمانی است که در تجدید دین

واحد الهی تلاش کرده‌اند. انسان. خلیفه خدا بر زمین. نیز از ابزاری به نام «عقل» برای درک «کتاب وحی» که «سفر هستی» است بهره می‌جوید. از این رو و بنابه دیدگاه محمد عماره، هیچ تقابل و تعارضی میان عقل و نقل وجود ندارد.

بیش از یک صد و بیست اثر از وی تاکنون منتشر شده است که برخی عبارتند از:

التفسیر المارکسی للإسلام؛ المعتزلة و مشکلة الحرية الإنسانية؛ معالم المنهج الإسلامي؛ نهضتنا الحديثة بين العلمانية و الإسلام؛ جمال الدين الأفغاني بين حقائق التاريخ و أكاذيب لويس عوض؛ الشيخ الغزالي؛ الموقع الفكري و المعارك الفكرية؛ الوعي بالتاريخ و صناعة التاريخ؛ التراث و المستقبل؛ الإسلام و التعددية؛ المنهج العقلي في دراسات العربية؛ ابن رشد بين الغرب و الإسلام؛ صراع القيم بين الغرب و الإسلام و غيره.
گفتنی است وی بر کتاب **اکذوبة تحريف القرآن بين السنة و الشيعة** که از سوی انتشارات مکتبه النافذه در سال ۲۰۰۶ منتشر شد، مقدمه‌ای نگاشت.

بررسی محتوای کتاب

کتاب **رد علی افتراءات الجابری علی القرآن الکریم** محاکمه‌ای واقعی درباره برخی از «لغزش‌هایی» است که دکتر محمد عابد جابری، اندیشمند معاصر در آخرین پروژه خود: **مدخل لدراسة القرآن الکریم** در آن گرفتار آمده است. پروژه‌ای که پایان بخش زندگی این اندیشمند مغربی نیز بود. دکتر محمد عماره در انتشار این کتاب تردید داشته است، زیرا آثار جابری از سویی رواجی بی نظیر داشته، به طوری که مورد اقبال بسیاری از روشنفکران و نخبگان و عموم خوانندگان قرار گرفته است. از سوی دیگر جابری، فیلسوف عربی بلکه جهانی است که تاریخ خود را به پروژه‌های فکری بزرگش از جمله چهارگانه برجسته‌ی العقل العربی برجسته ساخته است. شاید قرائتی فکورانه و نه شتاب زده از کتاب استاد محمد عماره، نشان دهد که دکتر جابری با آن که شخصیت فکری بزرگی در سپهر جهان عرب است، اما با ورودش به مسئله بررسی قرآن کریم، آگاهانه یا ناآگاهانه، روش‌های غریب و غربی را برای پیاده‌سازی در قرآن پژوهی اختیار کرد، به طوری که در خطاها بلکه لغزش‌هایی گرفتار آمد. از جمله آن که ترتیبی غیر از ترتیب متواتر قرآن کریم با تکیه بر اسباب نزول پیشنهاد داد یا این که عصمت حضرت محمد (ص) را نفی کرد یا این که اعتقاد داشت که قرآنی که امروز ما می‌خوانیم همان قرآنی نیست که بر قلب رسول خدا (ص) نازل شده و برخی از آیات آن افتاده است؟! یا حتی حقیقت تاریخ قصه‌های قرآنی را نفی کرد و باورهایی از این دست که برخی از آن‌ها را در بررسی این کتاب برمی‌شماریم.

از این رو نگارنده مقاله بر این باور است که این کتاب آمده تا مسئله روش شناختی پاسخ به برخی از پروژه‌های فکری دکتر محمد عابد جابری پاسخ گوید؛ پروژه‌هایی که هدف از تألیف آن‌ها کنار زدن اندیشمندان مسلمان و حمله به آنان در خانه و کاشانه خود و تلاش برای عرضه قرائتی نوین از کتاب مقدس که جایگزین قرائت‌هایی باشد که از درون جهان اسلام عرضه می‌شود. از سوی دیگر اهمیت این کتاب در آن است که دکتر محمد عماره، یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران معاصر در مطالعه میراث و اندیشه اسلامی و تمدن و تجزیه و تحلیل ساختار

شرق‌شناسی است. حتی می‌توان گفت که وی به‌مثابه دایرة‌المعارف فکری به‌شمار می‌رود، چراکه شمار تالیفات وی به بیش از ۲۴۵ عنوان کتاب در موضوع‌های مختلف می‌رسد. در کنار آن سبک علمی و واقع‌گرایانه، گستردگی معلومات او، شیوه بیان اندیشه‌ها، قدرت استدلال‌ها و وضوح براهین و ادله محمد عماره، وی را ممتاز ساخته است. همه این‌ها ارزش علمی برجسته‌ای به این مؤلف بخشیده است. از این‌رو نگارنده در این مقاله کوشیده است در نقل مهم‌ترین گزیده‌های اصلی این کتاب امین و متعهد بوده و خوانندگان را به مطالعه کامل این کتاب تشویق کند. چراکه این امر برای فهم و ادراک درست مطالب این کتاب انگیزه قوی‌تری است.

فصلنامه نقد کتاب

قرآن و کیش

سال اول، شماره ۱
بهار ۱۳۹۴

۱۷۰

معرفی کتاب

کتاب **رد علی افتراءات الجابری علی القرآن الکریم** نقدی بر آرای قرآنی دکتر محمد عابد الجابری است که در آثار مختلف خود به آن‌ها پرداخته است. مؤلف در این کتاب به شبهاتی که جابری مطرح کرده از جمله تفسیر و تحلیل قرآن بر حسب ترتیب نزول، تناقض عبادات اسلامی و عقل، تحسین و تقبیح عقلی، مساوی بودن قرآن با تورات، پیروی قرآن در قصه‌های خود از تورات، اسرا و معراج، اسطوره بودن قصه‌های قرآن، عصمت انبیا و ادعاهای وی درباره نفی عصمت قرآن و امکان خطا و اشتباه در جمع قرآن پاسخ داده است. دکتر عماره با مراجعه به دیدگاه‌های بزرگان مذاهب مختلف اسلامی از جمله اهل سنت و امامیه قرآن را از هرگونه خطا و تحریفی مصون دانسته و قصه‌های قرآن را حقایق تاریخی و بازگوی اتفاقاتی می‌داند که در گذشته رخ داده است. وی مبانی دینی و اعتقادی مسلمانان را مبتنی بر خردورزی دانسته است و پندارهای جابری را تنها خیالات واهی وی برمی‌شمرد.

کتاب شامل چهار فصل و یک خاتمه است که عناوین فصل‌های کتاب از این قرار است:

۱. موضع الجابری درباره میراث.
۲. ترتیب الجابری از قرآن کریم.
۳. خطاهای غیرعمدی نه خطاهای عمدی.
۴. خطاهای عمدی نه صرف خطاهای غیرعمدی.

۱. فصل نخست: موضع جابری درباره میراث

محمد عماره بر این باور است که برای فهم اندیشه و پروژه محمد عابد جابری ناگزیر باید خاستگاه‌های معرفت‌شناختی و الگوها و پارادایم‌هایی که اندیشه وی از آن‌ها سرچشمه می‌گیرد، درک کرد؛ زیرا روش جابری در فهم میراث به منزله اساس و نقطه عزیمت برای تجزیه و تحلیل اندیشه او تلقی می‌شود. از این رو می‌بینیم که محمد عماره در این فصل مقدماتی رو در روی پژوهش‌های الجابری در زمینه میراث و «دعوت وی برای قرائت این میراث به منظور عبور از آن» می‌ایستد.

چنان‌که می‌گوید: «مدرنیسم مهار و کنترل میراث را آغاز می‌کند، زیرا آن تنها راه برای افتتاح

سلسله‌ای از «قطع رابطه‌ها» با میراث به منظور محقق ساختن عبور کردن جدی از آن و رسیدن به میراثی جدید است که آن را می‌سازیم؛ میراثی جدید به معنای واقعی»^۲.

این قطع رابطه با میراث که جابری به آن دعوت می‌کند، اجتهادهای تفسیری درباره مقدس را دربر نمی‌گیرد، بلکه خود مقدس را دربر می‌گیرد. طوری که می‌گوید: «زبان، شریعت، عقیده، سیاست در گذشته و حال عنصرهای اصلی‌اند که مرجعیت سنتی از آن‌ها تکوین می‌یابد؛ مرجعیتی که گفتیم: راهی برای نوسازی عقل عربی جز با رها شدن از آن وجود ندارد».

ریشه‌های فکری مسئله قطع رابطه با میراث به رابطه تیره سکولاریسم و دین مسیحیت کلیسا در غرب بازمی‌گردد که به استحاله باورهای مسیحی به مفاهیم دنیوی زیر عنوان «دین بدون سیاست و سیاست بدون دین» انجامید. از همین روست که جابری دعوت می‌کند همین موضع‌گریبان در برابر میراث اتخاذ شود. چنان‌که می‌گوید: «شایسته است که عقیده به رأی تبدیل شود»^۳.

به این سبب دکتر محمد عماره بر این گفته تأکید می‌کند که جابری با دعوت به این قطع رابطه، در پی نابودسازی و تخریب مبانی فکری و فلسفی و اعتقادی‌ای است که بنای تصویری هر جامعه‌ای بر آن استوار است. با این‌که مدرنیسم غربی، انقطاع معرفتی بزرگی با میراث دینی یهود و مسیحیت ایجاد کرد، اما میراث یونان و روم را در زمینه فلسفه، حقوق، علوم، ادبیات و هنر احیا و نوسازی کرد و نوزایی نوین خود را بر پایه اندیشه‌ها و آثار کلاسیک این میراث بنا نهاد؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت که انقطاع کاملی با همه عناصر آبخورها و مراجع سنتی خود ایجاد نکرد؛ اما در متن‌های خود به «افتتاح سلسله‌ای از «قطع رابطه‌ها» با عنصرهای اصلی که مرجعیت سنتی از آن‌ها تکوین می‌یابد و در آن زبان، شریعت، عقیده و سیاست وجود دارد» دعوت می‌کند.

تا پیش از این کسی جز سلامه موسی. به این انقطاع دعوت نکرده بود که این نشان دهنده اندیشه روشنی از زمینه‌های پروژه فکری محمد عابد الجابری و در نتیجه طبیعت رهیافت او از قرآن کریم است.

فصل دوم: ترتیب جابری از قرآن کریم

کسی که به مطالعه اندیشه جابری می‌پردازد، چه بسا متعجب شود که چگونه عقل اندیشمندی به او اجازه می‌دهد که او چنین اتخاذ کند: بازنگری در ترتیب آیات قرآن کریم؟ و عدول از ترتیب الهی وحی قرآن که بازمینی‌های جبرئیل (ع) که نزول وحی به دست او بوده، آن را مورد تأیید قرار داده است. ترتیبی که صحابه نیز. که وحی را نوشتند و آن را حفظ و صحیفه‌های آن را گردآوری و سپس تدوین و در شهرها توزیع کردند. مبتنی بر آن عمل کردند. این همان ترتیبی است که همه امت اسلامی. با تمام ملت‌ها، قبیله‌ها و سرزمین‌ها و عالمان و مذهب‌هایش در طول زمان و مکان. به آن عمل کرده‌اند.

جابری می‌گوید: «هدف ما از تنظیم قرآن بر حسب نزول (آشنایی با سیر تکوینی متن قرآن با تکیه بر انطباق آن با سیر دعوت محمدی است)»^۴. به اعتقاد دکتر محمد عماره، این ایده‌ای

که جابری ابداع کرده است، پیش از او شرق‌شناسان بسیاری از جمله فیشر^۵ (۱۸۶۵-۱۹۴۹)، پریستل^۶ (۱۸۹۳-۱۹۴۱) و همتایان آن‌ها مطرح کرده بودند که با شکست مواجه شده بود. چنان‌که مونتگمری وات (۱۹۰۹-۲۰۰۶)، شرق‌شناس انگلیسی که مدت درازی از حیات خود را به پژوهش و مطالعه گذرانده بود، می‌گوید: «اگر محمد همان کسی نبوده که قرآن را بر پایه وحی ای که بر او نازل شده، مرتب کرده است. پس دشوار خواهد بود که تصور کنیم زید بن ثابت یا هر مسلمان دیگری به این عمل دست زده باشد».^۷

جابری انگیزه‌هایی که وی را به تفکر درباره تنظیم مجدد سوره‌های قرآن واداشت، شرح می‌دهد، هنگامی که بیان می‌کند: تفسیر قرآن یا تفهیم آن طبق این اصطلاح، قطعاً مناسب‌تر و روشن‌تر خواهد بود، اگر ترتیب آن بر حسب اسباب نزول باشد. مؤلف این را رد کرده و آن را مردود می‌داند؛ زیرا اسباب نزول فقط به شمار اندکی از آیات قرآن کریم مربوط می‌شود. افزون بر این اضمحلالی که صاحب بزرگ‌ترین پروژه‌ی فکری جهان عرب، یعنی جابری به آن رسیده و نشان‌دهنده سطحی بودن این ادعاست، مراجعه نکردن به بزرگ‌ترین عالمانی است که به علوم قرآن اهتمام ورزیده‌اند که از شمار آنان می‌توان به علامه سیوطی اشاره کرد.^۸

دکتر عماره تناقضی را که جابری گرفتارش شده است، توضیح می‌دهد. زمانی که نقطه عزیمت وی فرضیه تنظیم مجدد آیات قرآن با تکیه بر اسباب نزول می‌شود، اما سپس در تحلیل خود درباره این اسباب می‌گوید که آن‌ها اندک هستند و نمی‌توان به آن‌ها تکیه کرد. بلکه وی در برخی از این روایت‌ها تردید کرده است. چرا که آن‌ها روایات آحاد بوده است. به این ترتیب اغلب آن‌ها را حدس و گمان برمی‌شمرد.^۹

شاید این تناقض که مؤلف آن را آشکار ساخته است، همان چیزی باشد که وی را واداشته به این نتیجه‌گیری برسد که جابری به شتاب‌زدگی بزرگی فرو افتاده است؛ زیرا بر آن شده تا کتابش را در کوتاه‌ترین زمان و بدون بازنگری و بررسی دقیق و درست آن با مراجعه به منابع علوم و اصحاب کاردان این منابع به چاپ برساند.

فصل سوم: خطاهای غیر عمدی نه خطاهای عمدی

مؤلف در سرآغاز این فصل خطاهای غیر عمدی (خطأ) - که هر اندیشمند و مجتهدی ممکن است در آن گرفتار شود و در نتیجه تصحیح و گفت‌وگو ضرورت می‌یابد - و خطاهای عمدی (خطیئه) فکری را - که جایز نیست از اندیشمند و متفکری سربرزند و به‌ویژه اگر از شخصیتی مثل دکتر محمد عابد الجابری که در این‌گونه خطاها گرفتار آید. از هم متمایز می‌سازد. وی دو فصل پایانی کتاب را به ترتیب به این خطاهای غیر عمدی و خطاهای عمدی اختصاص داده است.

دکتر عماره در فصل سوم بیش از نُه خطای غیر عمدی را بر شمرده که جابری در تألیف کتاب **مدخل الی القرآن الکریم: فی التعریف بالقرآن** گرفتار شده است. نخستین خطای غیر عمدی وی اجرای روش پوزیتیویسم منطقی^{۱۰} اروپا در نگرش به وحی، دین و ایمان است. روشی که اصحاب آن بر این تصور بودند که فکر صاحب اتاق‌های بسته‌ای است. از این رو اتاق‌های بسته‌ای برای وحی، دین و ایمان قرار دادند که عقل و علم به آن‌ها راهی نداشتند؛ بنابراین

به گمان آنان هیچ رابطه‌ای میان آن‌ها وجود ندارد و ایمان معیارهایی دارد که پذیرش و تسلیم است و عقل ملاک‌هایی دارد که بصیرت و برهان است؛ یعنی وحی و دین و ایمان براساس این روش پیوندی با عقل و برهان ندارند. جابری براساس این روش پوزیتیویستی می‌گوید: «وحی به منطقه تسلیم و ایمان منسوب است و به میدان پژوهش و برهان راهی ندارد».^{۱۱} مؤلف برای مردود دانستن این ایده تأکید می‌کند که اگر جوهر دین اسلام و نقطه آغاز در آن همان ایمان به خداوند سبحان و تعالی باشد، پس طریق ایمان همان عقل و بصیرت عقلی است نه تسلیم. شاید این حقیقت که جابری آن را نادیده می‌گیرد، حقیقتی که همه کسانی که به وحی قرآنی و ایمان اسلامی با عینک فلسفه پوزیتیویسم غربی به آن می‌نگرند، سخن درباره عقل و جایگاه آن و ارزش و حاکمیت آن در وحی قرآنی است که در ۴۷ موضع با لفظ آن آمده است.^{۱۲}

دکتر عماره برای درک اهمیت عقل و نقش محوری آن در تثبیت ایمان در منظومه اسلامی سندی خارج از سیاق اسلامی به گواهی می‌گیرد و آن گفته پروفیسور ادوارد مونتیه^{۱۳} (۱۸۵۶ - ۱۹۲۷)، شرق شناس فرانسوی است که قرآن کریم را به زبان فرانسوی ترجمه کرد. وی درباره خردگرایی اسلام می‌گوید: «اسلام در حقیقت دینی عقلی در گسترده‌ترین معانی این کلمه از دو جنبه اشتقاقی و تاریخی است. تعریف خردگرایی^{۱۴} به این‌که آن روشی است که باورهای دینی را بر پایه‌هایی از مبانی برگرفته از عقل و منطق استوار کرد که با اسلام به طور کامل انطباق و سازگاری دارد».^{۱۵}

اما خطای دوم در نتیجه آبخشورهای فکری‌ای است که جابری در قرائت خود از قرآن از آن‌ها پیروی کرد. طوری که بر این باور است که عبادت‌های اسلامی به منقول و غیر معقول منسوب است و در حدود عقل نیست. محمد عماره در رد این دیدگاه می‌گوید: «جابری عبادت‌های اسلامی را با صورت عبادت‌ها، چنان‌که در شریعت‌های دینی دیگر به آن منتهی شده است، درآمیخته است؛ چنان‌که در دین کنونی مسیحیت بسیاری از عبادت‌ها به «اسرار کلیسایی» غیر عقلانی، بلکه مخالف عقل و تعقل بدل شده است».^{۱۶}

در این زوال دکتر جابری، اتهام بزرگی به عبادت‌های اسلامی که به دایره معقول تعلق دارد، مثل نماز، روزه، حج و زکات زده شد، به‌ویژه اگر به مقاصد بزرگ این عبادت‌ها نظری بیفکنیم؛ حتی جنبه‌های تعبدی و پرهیزکارانه که عقل انسانی آن‌ها را در این عبادت‌های اسلامی درک نمی‌کند، زیرا این جنبه‌ها فراتر از ادراک نسبی اوست. مثل شمار رکعت‌های هر نماز و بوسیدن حجر الاسود. این‌ها معقول خواهد بود، اگر به آن‌ها به منزله راه‌های پرورش فرد مسلمان برای فرمان برداری از خداوند سبحان و متعال در ادای شعائر اسلامی بنگریم که دارای حکمتی الهی است که انسان از فهم و درک آن‌ها ناتوان است. چه فرمان برداری به خودی خود نشانه عشق و دل بستگی به خداوند است. این جنبه حاشیه‌ای است، در حالی که حکمت‌ها و اسباب جملگی عبادت‌های اسلامی روشن بوده و مبتنی بر خرد و خردورزی است.

فصل چهارم: خطاهای عمدی نه صرف خطاهای غیر عمدی

اگر دکتر محمد عماره در فصل سوم به برخی از خطاهای غیر عمدی که جابری در کتاب مدخل

الی القرآن الکریم گرفتار آمده، پرداخته و آن‌ها را نقد می‌کند، در این فصل برخی از خطاهای عمدی این اندیشمند را مورد بررسی قرار می‌دهد که از نظروی لغزش‌های خطرناکی است که جابری گرفتار آن‌ها نمی‌شد، اگر بدون شتاب‌زدگی و صبورانه درباره گمان‌های فقه اسلامی بحث می‌کرد و پیش از داوری و اظهار نظر درباره مسائل بسیار حساسی مثل انکار عصمت حضرت رسول (ص) یا نفی حفظ قرآن کریم از سوی خداوند متعال و خطاهای دیگر نمی‌کرد. در اینجا به یکی از بزرگ‌ترین خطاهای جابری یعنی انکار عصمت پیامبران و فرستادگان می‌پردازیم، با این‌که این عصمت یکی از مهم‌ترین باورهای دینی است که از حکمت الهی در انتخاب پیامبران و فرستادگان سرچشمه می‌گیرد. جابری می‌گوید: «آنچه ما می‌خواهیم در اینجا بر آن تأکید کنیم، ضرورت تأمل و تفکر درباره آیات قرآن کریم به دور از اندیشه‌های پیشین است، مثل ایده عصمت که نشانی مذهبی و سیاسی در اندیشه اسلامی به خود گرفته است».^{۱۷} به اعتقاد مؤلف نکته مهم در اینجا ادعای جابری است که می‌گوید: فرقه‌های اسلامی درباره مسئله اثبات یا نفی عصمت اختلاف دارند.^{۱۸}

فصلنامه نقد کتاب

قرآن و کلام

سال اول، شماره ۱
بهار ۱۳۹۴

۱۷۴

مؤلف تمام برهان‌ها و حجت‌های قدیم و جدید را فراخوانده و از آن‌ها مدد می‌گیرد تا این ادعاها را انکار کرده و بی‌اعتبار سازد. وی می‌گوید: «عصمت فرستادگان خدا یکی از باورهای اصلی اعتقادی است؛ زیرا آن به مثابه ضمانت راستی، کمال و تمام بودن وحی است که رسول آن را ابلاغ کرده است. در این وحی مجموع عقاید دین هست، پس آنچه وحی الهی درباره الوهیت، صفات ذات الهی، نبوت‌ها و رسالت‌ها، کتاب‌های آسمانی، فرشتگان، عالم غیب و روز حساب و جزا آورده است، اعتماد به نشانه‌های این باورهای بنیادی منوط به راستی پیام‌آوری و تبلیغ است. شرط این اعتماد نیز عصمت صاحب پیام‌آوری و تبلیغ است».^{۱۹}

محمد عماره در پاسخ به ادعاهای جابری به یکی از بزرگان سیره‌شناسی، قاضی عیاض ارجاع داده است که کتاب **الشفای بتعریف حقوق المصطفی** (چاپ دار التراث قاهره، ۱۴۲۵/۲۰۰۴) را تألیف کرده و یکی از نشانه‌های میراث اسلامی به‌شمار می‌آید. نیز به دیدگاه‌های ابن حزم در کتاب **الفصل فی الملل و الاهواء و النحل** (چاپ مکتبه و مطبعه صبیح قاهره) مراجعه کرده است. از جمله اندیشمندان معاصر نیز به آرای شیخ محمد عبده، پیشگام مکتب احیا و نواندیشی ارجاع داده است که می‌گوید:

«از لوازم ایمان اسلامی: ضرورت باورمندی است به تعالی فطرت پیامبران و فرستادگان، صحت عقل‌های آنان، راستی در گفته‌هایشان، امانت‌داری در تبلیغ آنچه به آنان وانهاده شده، عصمت و مصونیت از تمام چیزهایی که مسیر بشری را آلوده می‌کند و سلامت بدن‌های آنان از آنچه چشم‌ها از آن انزجار دارند و ذوق‌های سلیم از آن متنفرند. آنان از آنچه با این صفت‌های پیش‌گفته در تضاد باشد، منزّه‌اند».^{۲۰}

مؤلف با بررسی آرا و دیدگاه‌های اندیشمندان و عالمان فرقه‌ها و مذهب‌های مختلف می‌گوید: بدین ترتیب امت اسلامی - به‌رغم اختلاف فرقه‌ها و مذهب‌ها و امتداد تاریخ آن - بر عصمت پیامبران و فرستادگان الهی اتفاق نظر داشتند. این باوری اعتقادی است که حکمت

الهی آن را اقتضا می‌کند و از عبث بودن پاک است. پذیرش پیام‌آوری آنان از سوی خداوند سبحان و متعال منوط به این باور است. همچنان‌که امت بر این اجماع دارد که این باور «با شرع، عقل و اجماع تثبیت شد». حتی می‌بینیم که معتزله، شهسواران خردگرایی اسلامی - شهسواران حمایت از عصمت پیامبران و فرستادگان (ص) نیز هستند.^{۲۱}

مؤلف بر این باور است که «دکتر جابری از اجماع امت منحرف شده و در خطاهای عمدی فروغلتید، هنگامی که مدعی شد عصمت چیزی جز «اندیشه مذهبی گذشته» نیست که نشانی سیاسی و مذهبی در اندیشه اسلامی گرفته است و این خطا و این فروغلتیدن او را به این صورت پوشالی و درمانده‌ای کشانده که با این صورت رسول خدا (ص) را به تصویر کشیده است. به این شکل حتی از مسیر اندیشمندان غیرمسلمان که از انصاف به دور نبوده‌اند، منحرف شده است؛ کسانی که امام رسولان اولو العزم را امام مصلحین قرار دادند، رسولانی که رسالت والای خود را در زمین واقع، عمل و کار تبلور بخشیدند».^{۲۲}

نتیجه‌گیری

در پایان می‌توان گفت که کتاب سه جلدی **مدخل للقرآن الکریم** محمد عابد الجابری اتهامی بر اصول و مبانی تغییرناپذیر امت اسلامی است. چرا که صاحب این کتاب کوشیده است روش‌های غربی را بر قرائت خود از متن قرآن جاری سازد. دکتر عماره در کتاب **رد علی افتراءات الجابری علی القرآن الکریم** با تکیه بر روشی علمی و واقع‌نگرانه و با مراجعه به منابع و آثار کهن و اصیل اسلامی و میراث عالمان و اندیشمندان بزرگ اسلامی و نیز اندیشه‌ها و روش‌های اندیشمندان معاصر در تعامل با قرآن کریم و منابع وحی ضمن روشن ساختن تناقض در ادعاهای جابری، به نقد و رد این ادعاها پرداخته است.

بر این اساس می‌توان گفت که پروژه جابری از مسیر درست خود منحرف شده بود؛ زیرا وی از طریقی به مسئله قرآن ورود کرد که سبب فروغلتیدن در خطاهای بی‌شماری شد. شایسته این بود که وی با تکیه بر ابزارهای علمی و روش‌شناختی اندیشه اسلامی واقعی و نه غربی و در نهایت با تکیه بر دیدگاه‌ها و اندیشه‌های شرق‌شناسان منصف که به صورت واقع‌نگرانه به پژوهش درباره میراث اسلامی پرداختند، به پژوهش درباره قرآن می‌پرداخت.

منابع و مأخذ

۱. عبدی، حسن، تبیین و بررسی روش‌شناسی عابد الجابری در علوم اجتماعی، س سوم، ش دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۶۷.
۲. الجابری، محمد عابد، حوار الشرق والغرب، طبعة الدار البيضاء، ۱۹۹۵ م، ص ۶۷.
۳. الجابری، محمد عابد، تکوین العقل العربی، طبعة بیروت، ۱۹۸۵.
۴. الجابری، مدخل الی القرآن: فی التعریف بالقرآن، الطبعة الثانية، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربية، ۲۰۰۷.
۵. وات، مونترجمری، الاسلام و المسيحية فی العالم المعاصر، ترجمة عبدالرحمن عبدالله الشيخ،

- القاهرة: طبعة مكتبة الأسرة، ٢٠٠١.
٦. عمارة، محمد، **رد على افتراءات الجابري على القرآن الكريم**، بيروت: دار السلام للطباعة والنشر والتوزيع والترجمة، ٢٠١١ م.
٧. الجابري، محمد عابد، **مدخل الى القرآن: في التعريف بالقرآن**.
٨. سيرتوماس، آرولد، **الدعوة الى الاسلام**، ترجمة حسن ابراهيم حسن، عبدالمجيد عابدين و اسماعيل النحراوى، طبعة القاهرة، ١٩٧٠.
٩. الجابري، محمد عابد، **فهم القرآن، ثلاثه اقسام**، طبعه بيروت، ٢٠٠٨ م.
١٠. عبده، محمد، **الأعمال الكاملة**، دراسه وتحقيق: محمد عماره، طبعه بيروت، ١٩٧٢، ج ٣، ٤٠٠.

فصلنامه نقد کتاب

قرآن و پژوهش

سال اول، شماره ١
بهار ١٣٩٤

١٧٦

پی نوشتها

١. عبدی، حسن، «تبیین و بررسی روش شناسی عابد الجابری در علوم اجتماعی»، س سوم، ش دوم، پاییز و زمستان ١٣٩٠، ص ٦٧.
٢. الجابري، محمد عابد، **حوار الشرق والغرب**، طبعة الدار البيضاء، ١٩٩٥ م، ص ٦٧.
٣. الجابري، محمد عابد، **تكوين العقل العربي**، طبعة بيروت، ١٩٨٥، ص ٥.
٤. الجابري، **مدخل الى القرآن: في التعريف بالقرآن، الطبعة الثانية**، ص ٢٦.

5. Fischer

6. Pritz

٧. وات، مونتنجرى، **الاسلام والمسيحية في العالم المعاصر**، ص ١٧٩.
٨. نگر: عمارة، محمد، **رد على افتراءات الجابري على القرآن الكريم**، ص ٤٥.
٩. نگر: همان، ص ٤٨، ٤٥.

10. Logical positivism

١١. الجابري، محمد عابد، **مدخل الى القرآن: في التعريف بالقرآن**، ص ٢٢، پانویس ٤.
١٢. عمارة، محمد، **رد على افتراءات الجابري على القرآن الكريم**، ص ٥٤.

13. Edward Montet

14. rationalism

١٥. سيرتوماس، آرولد، **الدعوة الى الاسلام**، ص ٨٩، ٩١.
١٦. عمارة، محمد، **رد على افتراءات الجابري على القرآن الكريم**، ص ٦٣.
١٧. الجابري، محمد عابد، **فهم القرآن، ثلاثه اقسام**، ص ٤٧.
١٨. الجابري، محمد عابد، **مدخل الى القرآن: في التعريف بالقرآن**، ص ١١٥.
١٩. عمارة، محمد، **رد على افتراءات الجابري على القرآن الكريم**، ص ١٠٢.
٢٠. عبده، محمد، **الأعمال الكاملة**، ج ٣، ٤٠٠.
٢١. عمارة، محمد، **رد على افتراءات الجابري على القرآن الكريم**، ص ١١٨، ١١٩.
٢٢. همان، ص ١١٩. ●